



مەن

شەھەرەمەن



ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان و  
اتحادیه زنان جوان شرق کوردستان

شماره ویژه ۸ مارس ۱۴۰۳

نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

اصرار بر سوسيالىسم اصرار بر انسان بودن است

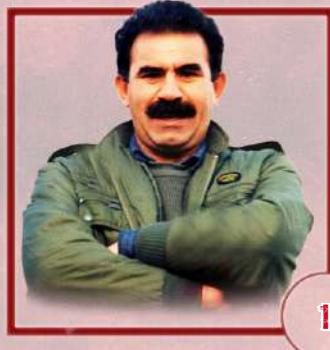
نەورۇزى پېھرائىقى ئازاد

و كۆمەلگەي دېمۇگەرايىك

بىرۇز بىتى



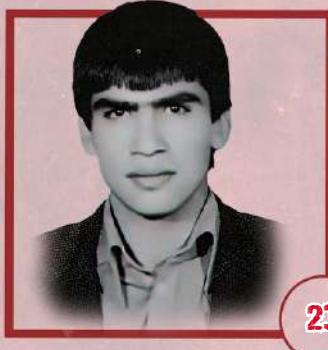
# فەرمىش



1



11



23



30

JIYANA RAST ŞAŞ NAYÊ JIYAN KIRIN  
Rênas Evalan

33

PARVE KIRINÊN BI ROJÊ RE

Vejin Jiyan

رەنمود رەھبىر آپو 1

رەنمود كەرىدىناسىيون 6 KCR

نقش جوانان در سىستم مدرنىتەي دموکراتىك 11

تولەلدان سارا

نامە رفيق زينب جلاليان 15

آزادى و عدالت با مبارزەي زنان ميسىر مىگردد 16

دنىز دريا

دختران شبىيە ستارەها هىستاند 18

خاطراتى با رەھبىر آپو

زنان اندىشمند عالم داراي زىبائى خاصى هىستاند 20

روكىن نغىدە

نهورۆز جەزى ئازادى 23

هاورى ئاوىھەر

پىكھىيانى خەيالى مندالى 25

رۇزەھات چىچەمە

كەسيكى بى ئامانج، كەسيكى بى رۆحە 27

باھۆز لەشكەر

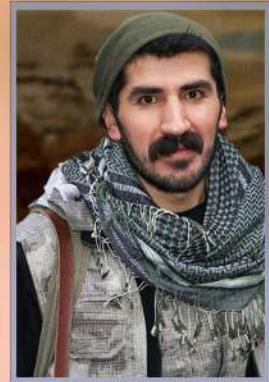
JIYANA RAST ŞAŞ NAYÊ JIYAN KIRIN

# زیله مُو

به معنای اخگر زیر خاکستر

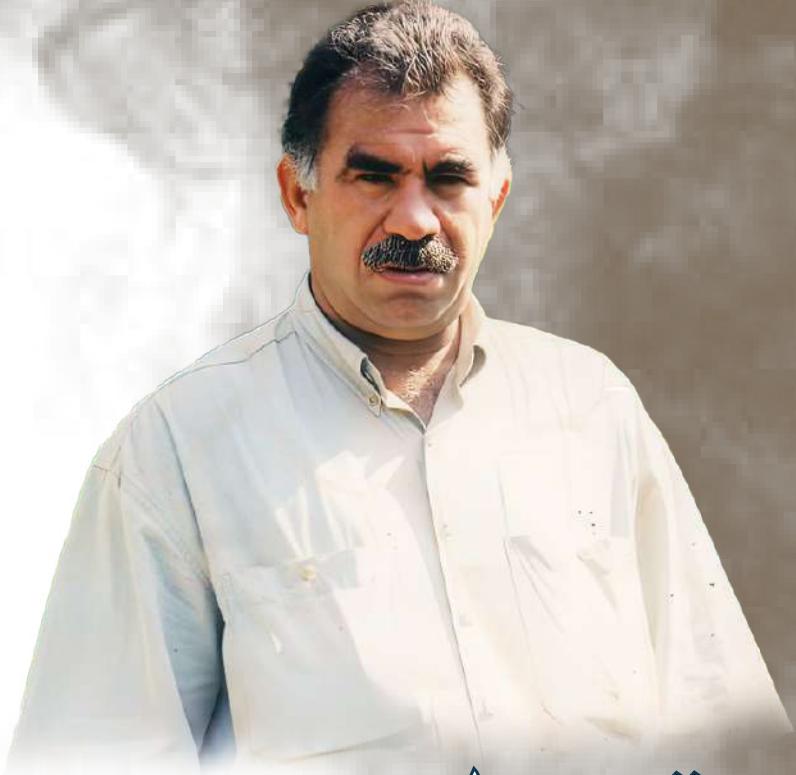
ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان KCR  
و اتحادیه‌ی زنان جوان شرق کوردستان YJCR  
شماره سی و هفتم، سال دهم، بهمن و اسفند، ۱۴۰۳  
نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

این شماره را به شهید هوگر بوتان تقدیم می‌نماییم.



# سخن جوان

قبل از هر چیز نوروز ۲۷۲۵ کوردی را از رهبر آزادی، رهبر آپو، شهدای راه آزادی، خلق میهن دوست، خلق های آزادی خواه، مادران صلح و همهای مبارزان پیروز خواهیم کرد. سال نو را با پیام آشتی رهبرآپو شروع خواهیم کرد و با نیروی که از رهبر آپو گرفتهایم به استقبال نوروز خواهیم رفت. نوروز امسال نوروز آزادی و مبارزه است در طول تاریخ این مشغل خاموش نمانده است. با مقاومت میلیون ها آزادی خواه هر سال نوروز خورشان تر شده است. نوروز جنگی است میان جوامع با متجاوز دولت گرایی که در پی فتح سرزمینشان و سرکوب و بردگی کشاندن آنها بر آمده‌اند. قدرت طلبان و چپاولگران بر آن تلاشند که نوروز را به جشن پایکوبی مبدل نمایند، اما زنان و جوانان چنان وظیفه‌ای دارند که به همهای قدرت طلبان نشان دهند که نوروز تنها جشن پایکوبی نیست، بلکه جشن همبستگی، مقاومت و آزادی است. مراسم نوروز، جهت یادآوری وظایف اخلاقی زنان و جوانان در مقابل جامعه و فرهنگ ملی است. زنان و جوانان جنین وظیفه‌ای را دارند، که با سمبول مقاومت کاوه آهنگ و مژلوم دوغان همهای کوچه و خیابان شهرهای شرق کورdestan را تبدیل به مقاومت کنند و با روح آپویی خود را به پیرزی برسانیم و نوروز امسال را تبدیل به نوروز آزادی فیزیکی رهبرآپو، کورdestan و خلق های آزادی خواه کنیم. پیشاهمگان جامعه زنان و جوانان دارای چنین وظیفه‌ای تاریخی هستند. شماره ۳۷ مجله زیلمو را در نوروز امسال، نوروزانهای ما به همهای انسان های آزادی خواه بخصوص زنان و جوانان میدان مقاومت است. باری دیگر نوروز را پیشاپیش تبریک می گوییم.



## نقش مبارزه در نوروز

آتش است. مانیز سما را می‌شناختیم. زمانی در اینجا بود، فکر می‌کنم آن هنگام نامش «سرهله‌دان» بود و دائم روح «سرهله‌دان» یعنی قیام را در خود داشت. شخصیتی بود که در مقابل هیچکس سر خم نمی‌نمود، می‌خواست که پیاختیزد و به شخصیت خویش معنا بخشید. «سما» نامه‌های زیادی نوشته و تحلیلات بسیاری انجام داده است. او شخصیتی بسان شخصیت زیلان بود. جنبه‌های زیباییش بسیار بوده و در شیوه‌ی عملیاتش بسیار پرتوان بود. از کاستی‌های درون حزب بسیار متنفر بود. از دشمن و خیانت نفرت می‌نمود و بسیار فراتر از نفرت، شخصیتی مبارز داشت. مبارزه‌ی او در زندان دارای اهمیتی بسیار است، او برای آنکه از زندگی حقیر رهایی یابد، زندگی پر محتوا و پر

● برگفته از تحلیلات رهبر آپو

سما یوجه این زن مبارز در بعد از ظهر ۲۱ مارس (نوروز) در مقابله با شخصیت لعنت شده‌ای که به شیوه‌های مزدورانه به دشمن پناه برده بود، خود را سوزاند و بعد از مبارزه‌های دراز مدت در ۲۷ ژوئن جان به جان آفرین تسلیم کرد، این عملیاتی قهرمانانه است. در این تاریخ، رفیق همزمان «فرموده بایگل‌دی» نیز برای یاد بود این رفیقمان، عملیاتی را انجام دادند بدون شک باید راجع به این عملیات‌ها اندیشید و از آن‌ها درس گرفت. انجام عملیاتی اینگونه، با اراده‌ای راسخ، به معنای جدا ساختن نیرومندی از ناتوانی و پاکی از پلیدی، به سیله

فضا و محیطی برای انجام مبارزه آزادی داشته باشیم. کسانی که به شکلی درست امکانات آزادی را بکار نگیرید، توان ایستادگی در مقابل این خاطره را نخواهند داشت. تصمیمات اشتباه، برخوردهای ناکافی و عدم ظاهر ساختن نیروی مبارزه و بکار گرفتن آن در برابر یاد شهیدان، محکوم گشته‌اند. کوچک پنداشتن مبارزه و برخوردی غیرجذی نسبت به آن، در قبال این یاد و خاطره محکوم شده‌اند. عدم وجود توانایی و اراده در مبارزه و رفتار و برخوردهای ناچیز و ناپسند در زندگی، محکوم گردیده‌اند. این محکوم نمودن، حزب و ارتقش را پایبند خویش می‌سازد. این را به عنوان مبدأ و پرنسیپ در شخصیت حک نمایید. در غیراین صورت شما را عضو حزب و ارتقش نخواهیم دانست. ایشان می‌گویند: «این آتش را فرو نشانید و آن را فروزان نگه دارید» آیا فداکاری و جسارتی بزرگتر از این وجود دارد؟ ایشان این عملیات را با پرتوهایی از دانایی و روشنگری انجام می‌دهند و کوچکترین نفعی را برای خویش نمی‌خواهد؟ اگر شما قدرت حزب و امکانات مبارزه را برای منافع شخصی بکار گیرید، این آتش همچنانکه دشمن را به آتش کشید، شما را نیز خواهد سوزاند. این آتش مبارزه، هیچ کدام از شما را سالم باقی نخواهد گذاشت. این آتشی معمولی نیست. بزرگترین سلاحتان برای دفاع از خویش، این است که بگویی چنین آتشی وجود ندارد. اما این آتش وجود دارد و در میان ما شعله‌ور شده است. شما انجام

جنب و جوش داشت. من راجع به این حرف نمی‌زنم که تا چه حد مقاومت نمود، بلکه از مبارزه‌ای او سخن می‌گویم، ایشان مبارزه را به اوج رساندند از این لحاظ مقاومت ایشان در زندان یک سمبل است و پاسخی حتمی برای سوال «چگونه باید زیست؟» می‌باشد. ایشان عظیم می‌اندیشیدند، پشتکار بسیاری داشتند و بسیار خواستار زندگی بودند. ایشان عاشق زندگی عظیم بوده و جوانمردانه برای آن مبارزه می‌کنند. هیچ‌گاه نه خود و نه به دیگران اجازه نمی‌دادند که زندگی‌ای بیمار و ناچیز و به دور از تلاش و کوشش داشته باشند، همیشه با خویش در حال مبارزه بود. دانایی و آگاهی ایشان برای از میان برداشتن تمام آن ضعف‌های که از جامعه منشاء می‌گرفت، کافی بود اگر در خارج از زندان می‌بود، بدون شک مبارزه را بسیار سازمان یافته‌تر، وسیع‌تر و به شیوه گریلایی، تا آخر ادامه می‌داد. بزرگترین آرزویش آن بود که به عظیم‌ترین امکانات آزادی دست یافته و مبارزه نماید. همچنان که در بسیاری از شهادت‌ها می‌توان دید، در این شهادت نیز با وجود آنکه آرزویش بسیار عظیم است، اما حقایق تلخ و تراژدیک بسیاری در مسیرش وجود دارند. فقدان توان حل این تضاد، عامل اصلی این شیوه عملیات است. نتیجه‌ای اساسی که باید از آن حاصل نمایید، این است که ارزش مبارزه و امکانات آزادی را بدانید و آن را به شکلی تراژدیک هدر ندهید. در واقع این این عملیات نیز به چنین چیزی امر می‌نماید. ارزشمندترین نیاز آن است که بخواهیم

اعضاء حزب و مبارزان است که درس‌های بسیاری از این دو ویژگی بگیرند. یاد نمودن از همزمان فکری بایگلدنی برای من بسیار ارزشمند و در عین حال یک وظیفه است. برای آنکه گفته‌های ایشان را در درون ارتقش و حزب پیاده نمایم، تا آخرین لحظه تلاش خواهیم نمود. کسی که خود را رهبر بداند، آرزوهای شخصی را که با جسارت و فداکاری بسیار خود را سوزانده و عملیاتی را انجام داده است، بدون پاسخ نخواهد گذاشت. در درون حزب و ارتقش و در زندگی، این ارزش بزرگ باید به شکل یک سنت و خطامشی در آید. اگر می خواهید چیزی از آن دریابید، مجبورید که بدانید، نقش و وظیفه شما چیست؟ در غیر این صورت مرد بودن‌تان را هیچکس جدی نخواهد گرفت، شما هم از نیازها و روابط خویش می‌زنید و برای آنها می‌نالید. رابطه باید بدین شکل باشد، فرمانده اینگونه است. جنگجویی بدین شکل است. به اندازه خورشید، سوزان، اگر اینها را نادیده گرفته و از روابط مرد-زن و روابط فرمانده-سرباز سخن بگویید، خود را فریب داده اید. اگر اندکی احترام برای شهیدان قائلید، مطابق با این ارزش‌های والا خود را دوباره شکل داده و ایجاد شخصیتی مبارز با روابطی زیبا در زندگی را در پیش بگیرید. اگر می خواهید که از تاریخ، دانایی و شهادت‌های آموزنده، درس بگیرید، باید آنها را تحلیل نموده و بدانید که آن‌ها برای ما امر و فرمانند. من به سه‌هم خویش و به اندازه توان خود، قبل از هر چیز به عنوان یک مبارز حزب، یک جنگجو در ارتقش و

عملیاتی به شیوه توسط یک مبارز را چه می‌پندارید؟ می خواهید بیشتر مانه از آن سوءاستفاده کنید. بدون آنکه عذاب وجودان بکشید. با تکیه بر خاطرات آنان، ماسک آزادی بر صورت خود زده‌اید و فکر می‌کنید که دیگران را فریب داده‌اید. هر آنچه را که انجام داده‌ام برای این بوده است که جوابگوی خاطره و یاد آنان باشم و هر آنچه را که انجام داده‌ام به یاد و خاطره آن‌ها هدیه می‌نمایم. شما چه چیزی را ارمغان آنها خواهید نمود؟ آیا پاسخ دادن به شهیدان، اینگونه است؟ بایستی به شهیدان احترام گذاشت. بایستی ایستار محترمانه درستی را در پیش گیریم. بهترین پاسخ من به یاد شهیدان، برخوردي محتاطانه و با تأمل است. من آنچه را که لازمه پاییندی به خاطره والای یک مبارز است، انجام خواهم داد. یکبار دیگر از رفیق سما یوجه یاد کرده و در پاسخ می‌گوییم که ایشان فرمانده من است. ایشان مثال بارزی از پاییند بودن به یادهای است. زیرا که بلافضله جوابگوی خاطره همزمانش می‌گردد. این نیازمند فداکاری و جسارتی عظیم است. ما با ابراز احترامی بزرگ ایشان ایشان یاد می‌کنیم. دوم این که یک مرد در یاد یک زن مبارز، چگونه می‌تواند سرباز خوبی باشد. ایشان این کار را بخوبی انجام دادند. نتیجه مهم دیگری که می‌توان از آن گرفت؛ احترامی را که تاکنون بسیاری از شما نسبت به یک زن نشان نداده‌اید، همزمان فکری بایگلدنی به شکلی مکمل و با عظمت از خود نشان دادند. اما برهمه

شما باید به آن بیاندیشید، امکانات وجود دارند که به وسیله آن بیاموزید. مکتب مانه تنها جنگ، بلکه زندگی را می‌آموزد. شما بسیار خوشبختید که در این فعالیت‌ها جایی گرفته‌اید. کار و شناسی ارزشمندتر از این را در جهان نخواهید یافت که به اندازه من از نیستی، هستی بیافریند. اما چرا؟ اگر سقوط و شکست کسانی که هزاران سال است در مبارزه‌ای اینگونه شکست می‌خورند را مدد نظر قرار دهید، خواهید دید که من از جایی باورنکردنی آغاز نموده و جهت رسیدن به اینجا، شیوه‌ای شکست ناپذیر داشتم. این را چگونه می‌توان بیان داشت؟ اول آنکه این نشانگر ارزش کار است، دوم آنکه ما برای انجام این کار از کمترین امکانات استفاده نمودیم و این خود شبیه یک راز است. در این سرزمین انسان‌ها را کشته و قتل و عام می‌نمایند، قتل عامی که نمیتوان در هیچ جای دنیا نظیر آن را یافت. اگر با چنین آگاهی‌ای حرکت نمایید، مبارزینی بی نظیر خواهید شد. من این را بربان میرانم و شما نیز باید آن را بجای آورید، بجز این راهی برای رهایی وجود ندارد. ممکن است کار دشواری باشد، اما لبه تیغ بر گلوبیتان قرار دارد و می‌خواهد سر شما را از تنستان جدا کند. من این حزب را اینگونه تاسیس نمودم، تاکنون تمام همزمان حزبیم اینگونه بوده و این نیز پیروزی را در پی داشته است. هیچکس نمیتواند این شیوه موفقیت را متوقف سازد. دشمن شیوه‌های بسیار مختلفی را بکار گرفت،

حتی به عنوان یک فرمانده، نه تنها به شکلی ویژه بلکه با تجربه بزرگ سازمان آن را اجرا خواهیم نمود و می‌خواهیم که هر کس آن را بجای آورد. بر این اساس یاد این همزمان را گرامی میدارم و هر آنکه را یاد آنان پاسخگو باشد انسانی با ارزش دانسته و به او درود میفرستم. راجب به مبارز بودن این دختران چیزهای بسیاری گفته شده است. جوهر آن و آنچه را که صحیح است نشان داده‌ایم. این تحلیلات نیز جوابی برای تمامی سوال‌هایتان است. شما اکنون در حال مبارزه‌اید، بجز این هر چیز فاقد ارزش است. این کاری است که ما حتی هنگامی که تنها بودیم با شور و شوقی بسیار تصمیم به انجام آن گرفتیم. اشتباهاتتان از آنجا ناشی می‌شود که بر اساس مهارت‌هایتان کارهای انقلاب را انجام نداده و معنای عظیم آن را اساس نگرفتید. این را تئوری انقلابی و سازمان انقلابی می‌نامند و این شیوه عملیاتی انقلابی است. حقیقت سما یعنی عشق، زیبایی و دارا بودن هویتی که ادعایی داشته باشد. زنی است که مبارز آزادی است و تسلیم مرد و بی عشقی نشده است. اگر شخصیتی اینگونه را در خود ایجاد نکنید، نمیتوانید به این مبارزه ادامه دهید. این لازمه جوهر مبارزه است. حتی رفتار من نیز کافی نیست. اما چرا؟ سال‌هاست که من جنگ را به تنها‌یی به پیش می‌برم، اما باز هم یکی نمودن و سیله و هدف و همچنین جنگ و زندگی به سطحی باور نکردنی رسیده است. این بسیار آشکار است،

اما توان متوقف ساختن آن را نداشت. متقلبان و اپورتونیست‌های بسیاری خواستند که ما را متوقف سازند، آنها موفق شدند؟ من شما را ب آنان شبیه نمی‌دانم. بیشتر شما انسان‌های درستی هستید که می‌خواهید پاسخگو باشید. شما کاستی‌های دارید. خود، خود را فریب می‌دهید و بسیار سطحی نگر هستید. در این مرحله که به پیروزی نزدیک شده‌ایم، این شانس را بکار گیرید. من برای شما ارزش قائلم و نسبت به شما ابراز علاقه می‌نمایم، اما انتظار دارم که شما نیز اینگونه باشید.





# پا سلام و درود رهبر آپو آتش نوروز را بلندتر کرده و حیات سو سیالیست را بیافرینیم

رهنمود کردیناسیون KCR

به صورت برنامه ریزی شده در یک تاریخ اجرا شدند. رهبر آپو در ارتباط با توطئه بین‌مللی گفتند: در انجام رفاقت کم و رفاقت ساختگی، این توطئه شکل گرفت. رهبر آپو نیز به همین دلیل این روز را به مانند روز نابودی کورداها نام گذاری کردند. اگر به امروز نگاهی کنیم، رهبر آپو بعد از ۲۶ سال شرایطی را محیا ساخت که روز نابودی کورداها به روز نیرومند شدن سیاست کوردها مبدل گردد. ما بدون شک در ۲۷ سالگی این سیاست نابودی، توطعه بین‌مللی را درهم شکسته و با رهبری آزاد و در کوردستانی آزاد مبارزه می‌کنیم. جوانان میهن دوست:

زمانی که ما از رهبر آپو صحبت میکنیم ما از تنها یک فرد و شخصیت صحبت نمی‌کنیم. رهبر آپو تمثیلیت یک هویت ایدئولوژی است که بر تمام دنیا تاثیرات

توطئه بین‌مللی ۱۵ فریه وارد ۲۷ سالگی خود شد. در عین حال به مانند جوان کورد و جامعه کورد، از صدمین سال سیاست نابودی علیه خلق کود گذار می‌کنیم. ۱۵ فوریه به روز سیاه شناخته می‌شود، لازم است بتوانیم این روز را به درستی تعریف کنیم. در سال ۱۹۲۵ قیام شیخ سعید از درسیم تا آمد، موش و ارزروم به درازا کشید و امروز صدمین سالیاد این قیام است. این قیام به مانند هر قیامی نرمال نیست. در این قیام چیزی که برای پیشبرد انقلاب از سوی شیخ سعید برنامه ریزی شده بود، به مانند برنامه پیش نرفت. زیرا بار دیگر خیانت و مشکلات داخلی باعث شد این پیشرفت و قیام با شکست و تصفیه روبه رو شود. خیانتی که در قیام شیخ سعید صورت گرفت در توطئه بین‌مللی بار دیگر بر علیه رهبر آپو اجرا شد. در هر دوی این توطئه ها هم

و چقدر با معنای حیات سوسیالیت زندگی میکنیم. سویالیست آن است که انسان زندگی ای مبارزاتی را در پیش گیرد. اگر ما به عنوان جوان معنای سوسیالیست را درک کنیم و می توانیم موجودیت و هویت خود را حفظ کنیم. آن چیز که روح جوانان آپویی را زنده نگه میدارد فکر و زندگی سوسیالیت است. اکنون در جامعه و سیستم کنونی میتوانیم سوسیالیست را جستجو کنیم. در شرایط کنونی رهبر آپو با نوع زندگی و مبارزات خود و به تمامی نشان دهنده‌ی یک شخصیت سوسیالیست است که چگونگی زندگی سوسیالیست را شرح میدهد. بهترین منبع تبلیغاتی نیز کتاب های رهبر آپو است. در نزد رهبر آپو، ایدئولوژی، فلسفه تئوری استراتژی و تاکتیک همگی به مانند دریایی عمیق است. انسان در پراتیک رهبر آپو می بیند که سازماندهی چه گونه با زندگی یکی می شود. در حالی که شرایط زندگی در امرالی وجود ندارد. ولی رهبر آپو این زندگی را ادامه میدهد. جوانان با شرافت کورستان، هر چقدر که انسان در ارتباط با فکر رهبر آپو تحقیق و جستجو می کند آن زمان فهم و درک رهبر ممکن می شود. به همین دلیل هم ما باید رهبر خود را بشناسیم، رهبری را بشناسیم که رهبر کورستان و تمام جهان است و بدانیم چه گونه ۵۲ سال برای ما مبارزه و مقاومت میکند. کسی که به خود میگوید جوانم، باید هرچه زودتر فکر و فلسفه‌ی رهبر آپو را فهم کرده و عمل نماید.

جوانان میهن دوست:

در کدام نظر دست آورده داریم و برای ارزش‌های انسانیت چه کردہ‌ایم، در تاریخ کسانی مانند لیلین و مارکس هم وجود

مثبت گذاشته است. به همین دلیل لازم است همه‌ای جامعه به خصوص جوانان، معنا و ازش میراث ۱۵ فوریه را بدانند. اگر علم و اطلاعات تاریخی و هویت ایدئولوژی آپویی نباشد، معنا بخشیدن به روز ۱۵ فوریه سخت میشود. زمانی که تصمیم به از بین بردن حرکت آپویی و شخص رهبر آپو گرفتند روز ۱۵ فوریه را مخصوصا دست نشان کردند. این به این معناست که انتخاب کردن این روز اتفاقی نیست. بارها این روز مورد بحث قرار گرفته است، اما چیزی که مهم است این است که ما از این روز درسی تاریخی و عمیق بگیریم، قبل از رهبر آپو نیز در همین تاریخ و همین روز شیخ سعید دستگیر شد. زمانی که رهبر آپو این را تحلیل کرد، این گونه گفتند: این روز و این تاریخ، تاریخ نابود کردن کوردهاست. رهبر آپو با این تحلیلات تاریخی خود خواست ما جوانان را آگاه سازد. با سلام و درود رهبر آپو، ما به عنوان جوانان آپویی و خلقی قهرمان وارد مرحله‌ای نو میشویم. نگاه کنید در اولین دیدار رهبر آپو دنیا به لرزه درآمد. رهبر آپو چه گفت؟ گفت، من به مانند یک سوسیالیست زندگی میکنم. اکنون در محتوای این سخن پیام‌های فراوانی وجود دارد که باید ما به مانند جوانان آپویی معنای آن را درست دریابیم و بدانیم چه گونه در این برهه زمانی جای میگیریم. در عین حال باید به عنوان جوانان ایران و شرق کورستان تحلیل کنیم که تا چه اندازه زندگی ما با زندگی سوسیالیسم در ارتباط است، سوسیالیست چقدر توجه مارا جلب میکند و چقدر جستجو گر سوسیالیست هستیم

مانند جوانان آپویی تا چه اندازه، فراخوان رهبری را فهمیده و تحلیل می نمایم، مسئله تنها حرکت آپویی نیست بلکه مسئله جهانی و همه جوانان را دربر میگیرد و احتمال هر شیوه تحلیل جداگانه وجود دارد اما به این معنا نیست که هرچیزی که گفته می شود راست و درست است، رهبری را فهمیدن و عملی نمودن تنها از زبان و فکر رهبری باید به عمل آید، در این

داشتن و با همه امکان و زمین دموکراتیک که وجود داشت، چرا دموکراسی و سازماندهی محقق نشد، لازم به مقایسه نیست ولی حقیقتی که نهفته است و چیزی که رهبر آپو را به رهبری مبدل کرد این بود که گفتار و کردار در یک راستا سازماندهی شده و سبب ۵۲ سال مقاومت نیز در همان حقیقت نهفته است و تنها کسی که جامعه دموکراتیک و اخلاقی را سازماندهی



فراخوان رهبری، کسی که راست آنالیز و عمل نماید جوانان شرق کردستان و ایران هستند، جوانان نیروی پیش قدمی کردن و راست فهمیدن برای فکر رهبر آپو هستند. جوانان میهن دوست:

رهبر آپو در فراخوان این چنین گفت: «من مسئولیت این مرحله را بر عهده می گیرم» ما نمیتوانیم رهبری را تنها بگزاریم؟ در این بردهی تاریخی تنها بار بردوش رهبری گذاشتن ناحقی است، یعنی اگر در این مرحله تاریخی رهبر آپو را تنها بگذاریم

و شکل می دهد، تنها راه فکر سوسیالیسم که نمایندگی آن را رهبر آپو می کند. در حال حاضر دولت های هژمونی جهان نقشه راه و آلترناتیو سیستم کاپیتالیست را در فکر رهبر آپو یعنی ملت دموکراتیک می بینند و هر کسی میخواهد بهره‌ی خود را از این فکر گرفته و ما مانند جوانان شرق کردستان و ایران چطور نمیتوانیم فکر آزادی را فهمیده و عمل نمایم، کسی که معیار جامعه‌ی اخلاقی و انسانیت را زنده نگهداشته است و امروزه ما میتوانیم بگوییم انسانیم رهبر آپو بوده، امروزه در جهان فراخوان رهبری مسئله‌ی بحث و دیالوگ است. ما

خود زندگی است. تنها به انسان‌ها نگاه نکنید به طرز زندگی آنان نگاه کنید، آپویی‌ها تنها سخن‌ها را مینا قرار نمی‌دهند بلکه این عمل است که برایشان اثبات سخن است. حرکت آپویی عمل و زندگی کردن، مبدأ‌ها را اساس می‌گیرد و حرکتی به دین گونه است، آن قدر که عمل می‌کند خود را شرح میدهد و خیالی عمل نمی‌کند، درباره خود مبالغه نمی‌کند، از خود تعریف نمی‌کند، حتی به صورتی جدی انتقاد پذیر است، نمونه‌ی جامعه و زندگی سوسیالیست در حرکت آپویی زیسته می‌شود. حیاتی آفریننده و آموزنده، نمونه زندگی آپویی است. برای همین هم تکرار و بیچارگی در این زندگی امکان پذیر نیست. آن کس که بتواند زندگی و راه مبارزات رهبر آپو را بخواند، میتواند فهم و درک درستی را به دست بیاورد. رهبر آپو می‌گوید: من این گام‌ها را در راه لزوم سوسیالیست بر میدارم. این سخن رهبر آپو تعریف این دوران است. ما هم به مانند جوان باید گام‌های خود را بر اساس سوسیالیست برداریم. جوانان میهن دوست ما دیگر در برده زمانی هستیم و دورانی را سپری می‌کنیم که برای آزادی خلق‌ها تلاش خواهیم کرد. در گذشته در کوردستان به اندازه‌ی نوک سوزن هم فرصتی به کورد داده نمی‌شد که در باره‌ای دموکراسی و استقلال صحبت شود. رهبر آپو این زمینه را برای خلق کورد فراهم کرد و این کار به مانند این بود که با نوک سوزن چاه بکند. به سطحی رسید که ما امروزه از آزادی تمام خلق‌ها سخن به میان می‌آریم، در عین حال ما با

نمیتوانیم که دوباره فرصتی این چنین به دست بیاوریم، رهبر آپو در سن ۷۵ سالی خود این همه مسئولیت را بر دوش خود گرفته، ما هم میتوانیم وظیفه‌ی سوسیالیستی خود را با عمل کردن به فراخوان رهبری پیش قدمی برای این برده زمانی تاریخی باشیم. آپویی بودن هویتی ایدئولوژیک است که آزادی، برابری، عدالت و به اشتراک گذاشتن را به صورت موازی در جامعه می‌آفرینند. انسانیت، زندگی زیبا و حقیقی را طلب می‌کند، به همین دلیل باید تلاش ما رساندن بشریت به این سطح و مرحله باشد. برای رسیدن به این مرحله نیازمند تلاش و مبارزات جدی هستیم. این مبارزات بی‌گمان با پیشاهنگی جوانان میتواند نیرومند و عملی شود. ما نیروی دینامیک جامعه‌ی دموکراتیک و اکولوژیک و آزادی زن هستیم. دیگر زمان آن رسیده که ما با رهبر خود در کوردستانی آزاد، به صورت دموکراتیک و برابر حیاتی اشتراکی را زندگی کنیم. دیگر برای ما در خاکی مستعمره و تسخیر شده زندگی کردن حرام است. ما به عنوان جوان و زنان جوان شرق کوردستان، برای این که وظیفه خود را در این برده زمانی به جای بیاوریم، خود را آماده می‌کنیم، رهبر آپو همانقدر که سوسیالیست را به جای میاورد همان قدر هم تفسیر می‌کند. انسان میتواند بگوید در این زمانه رهبر آپو نمونه شخصیت سوسیالیست در زمان حال است که نمونه ایشان دیده نمی‌شود. ما به مانند جوان و زنان جوان کوردستان آگاه باشیم که به مانند رهبر ما نمونه دیگری نیست. سوسیالیست، به خودی

پیشاهنگی زنان تاریخی را از نو می نویسیم. ما مبارزه آزادی زن را به پیروزی رسانده و جنگ امپریالیسم را به اتمام می رسانیم، این پیروزی صد درصد است و ما با پیشاهنگی زنان جوان و جوانان، راهپیمایی آزادی را با آزادی فیزیکی رهبر آپو ممکن می سازیم. ما در یک ماه مقدس برای کورد ها قرار داریم، ماه مقدس نوروز. نوروز مژده آزادی و بهار است، به خصوص نوروز ۲۰۲۵ بسیار با معناست زیرا مژدهی آزادی فیزیکی رهبر آپو را با خود به همراه دارد. ما به مانند جوان و زنان جوان با روح فراخوان و سلام و درود رهبر آپو، آتش نوروز را برافروخته تر کرده و آزادی انسانیت را ممکن می سازیم، این پیروزی صد درصد است تنها امید بس است. نوروز حرس در برابر امپریالیسم و فاشیست است، نوروز انتقام است، نوروز پیروزی است، نوروز آزادی است. فراخوانی ما برای زنان جوان و جوانان این است که آتش آزادی را با آزادی فیزیکی رهبر آپو فروزان تر کنیم. تمام جوانان ایران و کوردستان پاسخی باشند برای فراخوان رهبر آپو. به این وسیله ما نوروز را به شما تیریک می گوییم.

جوان فدایی رهبر آپو است

زنده باد رهبر آپو

زنده باد سوسیالیسم



# نقش جوانان در سیستم مدرنیته‌ی

## دموکراتیک

● توله‌لدان سارا

واقع وجود خود را با دو دستی تقدیم سیستم کاپیتالیسم می‌کند. یکی دیگر از اهداف سیستم کاپیتالیسم این است که تاریخی نوینی از برده‌داری را برای انسانیت رقم بزند، برده‌داری که دیگر نیازی به زنجیر و زور ندارد. با نشان دادن دنیای خیالی، برده بودن را آرزوی هر انسانی می‌کند. امروزه در داخل جامعه شاهد آن خواهیم شد که تا چه اندازه‌ای سرمایه‌داری تاثیرات منفی را در وجود هر فردی ایجاد کرده است. مانند یک مسابقه‌ی دومیدانی می‌ماند هر کسی در حال دویدن است و کسی نمی‌داند که برای چی میدود، نقش همه‌ی اقسام جامعه در داخل سیستم کاپیتالیسم منفی است. چون بر ضدیت انسانیت کار می‌کند و همه‌ی تلاش‌ها بزرگ کردن هیولای می‌باشد که خون جامعه را مکیده است. موقعی که به صورت کلی نگاه خواهیم کرد می‌بینیم، اقسامی که آسیب‌های ذهنی، روحی، روانی و فیزیکی زیادی را شاهد می‌شوند، زنان و جوانان هستند. سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم با استفاده از درست کردن دنیای مدرن، مواد مخدر، رابطه‌های جنسی ناسالم، دنیای مجازی

سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم، سیستمی غارتگر، چپاولگر و مجازی می‌باشد. بعد از این که سیستم کاپیتالیسم مطلقیت بخشید، انتظار آن را داشت که جامعه براساس ایدیولوژی او پیش برود و یک دست سازی جامعه را هدف اساسی خود قرار می‌دهد. ریشه‌ی ایدیولوژی سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم، لیبرالیزم می‌باشد. جامعه‌ای که فردگرایی در آن حاکم باشد، معنایی واقعی جامعه بودن را از دست خواهد داد. یکی دیگر از اهداف سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم پیشبردن بحران است. بحران اجتماعی، اکولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی، فکری و... از اهداف اساسی این سیستم می‌باشد. با بنیان گذاری دولت ملت حق خود مدیریتی را از جامعه گرفتن، فروپاشاندن جوامع آزاد و برابر که متکی بر تفاوت‌مندی هاست را در پیش روی جامعه قرار داده است. رهبر آپو، کاپیتالیسم را نوعی بیماری اجتماعی می‌نامد، که با فرم سرمایه‌ی هر چی بیشتر شدت یافته است. جامعه‌ای که با تمامی نیرو و فکر، خود را در خدمت دنیای سرمایه‌داری می‌گذارد، در

همیشه مقاومت‌هایی از طرف جامعه بخصوص جوانان صورت گرفته است. مقاومتی که سیستم هرگز انتظار آن را نداشته است. به خود باوری کامل را داشت که دنیایی را صورت داده میتواند حکم رانی خود را دراز مدت محفوظ نگهدارد. کاپیتالیسم دنیایی پر از مادیات و دور از معنویات و اراده‌ی آزاد را بر ساخته است، در سال ۱۹۶۸ جوانان در برابر چنین سیستمی اعتراضاتی سرتاسری را شروع کردند و کاپیتالیسم را شوکه کردند، مسئله‌ای که حساب آنرا نکرده بود را شاهد شد. دیگر چیزی به اسم مادیات نمی‌توانست جوابگوی جوانان باشد، زیرا موضوع این بود که جامعه معنویات و آزادی خود را از دست داده بود. انسان‌های پیشاهنگ زیادی در مورد این موضوع فکر می‌کردند و مبارزه را

و... می‌خواهد که با در دست گرفتن اراده‌ی جوانان حاکمیت خود را بر جامعه متحمل کند و همیشه اجتماع محتاج آن باشد. در دنیای سرمایه‌داری آنگونه نشان داده می‌شود که جوانان وظیفه‌های خاص خود را دارند و در مدیریت کردن جامعه، دارای نقش تاثیرگذاری هستند. در حالی که به اصل مطلب می‌نگریم می‌بینیم که جوانان نقش خاصی را دارا نیستند و همیشه سیستم کاپیتالیسم تلاش خواهد کرد که اراده‌ی آنها را بشکند و قدرت فکری را ضعیف کرده باشد که مبادا روزی جوانان به نیروی خود بودن برسند، چون اگر جوانان بتوانند به آن نیروی خود بودن پی ببرند، قطعاً در این دنیا جایی برای سیستم کاپیتالیسم نخواهد ماند. با گذر زمان بعد از این که سیستم کاپیتالیسم به میدان آمد،



گیرد و کسی در حاشیه‌ی مدیریت کردن جامعه قرار نخواهد گرفت، چونکه چنین مدل سیستمی باعث می‌شود که هر کسی احساس مسئولیت کند. رهبر آپو ابعادی برای ملت دموکراتیک تقدیم کرد که عبارت است از: شهروند آزاد، حیات سیاسی، حیات اجتماعی، زندگی مشترک آزاد، خودگردانی اقتصادی، ساختار حقوقی، فرهنگ، سیستم خود دفاعی، دیپلماسی. این ابعاد موقعی که به صورت دموکراتیک اجرا شود، اجتماعی سالم و تندرست رونق خواهد گرفت. دیگر جامعه نیازی به سیستم بیگانه‌ی ندارد که مدیریت شان کند، جامعه با نیروی دموکراتیک خود در امور مدیریت کردن نقش اساسی را دارد و به صورت طبیعی تبدیل به اجتماعی سیاسی می‌شود. جوانان در برابر عملی کردن این سیستم مسئولیت مهمی را دارند و جوانان جزو اولین کسانی هستند که وظیفه‌های خاصی را دارند. فرهنگ، مدیریت، سیاست، اخلاق، حقوق، اقتصاد... با نیروی جوهری جوانان پیش می‌رود. نیروی جوانان نیروی است که مدام برای نوبودن، تغییر و تحول، عمل کردن و پیشاهمگی زمینه‌ی فراوانی دارد و این جوانان هستند که می‌توانند با پیشاهمگی در داخل سیستم مدرنیته‌ی دموکراتیک آینده‌ی جامعه را رنگین کنند و تاثیرات سیستم کاپیتالیسم را نابود و به پایان برسانند. جوانان در این سیستم تنها نیروی عملی نیستند بلکه نیروی اساسی فکری هستند و در همه‌ی حوضه‌های جامعه دارای نظر و تصمیم گیری های اساسی و تاثیر گذاری می‌

در برابر سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم شروع کردند اما نتوانستند پیروز شوند، رهبر آپو در این باره انتقاداتی را بیان می‌کند که بزرگ ترین اشتباهات آن مبارزان این بود که با ابزار سیستم کاپیتالیسم در برابر خود کاپیتالیسم مبارزه کردند، برای همین هم نتوانستند پیروز شوند و در انجام تبدیل به بخشی از این سیستم شدند. در صدسال بیست و یکم موضوع کاپیتالیسم موضوعی اساسی است، کاپیتالیسم توان آن را از دست داده است که جامعه را در قفس وحشت نگهداشد و ذهن انسان‌ها را استعمار بکند. در این صدسال تلاش‌های زیادی خواهد کرد که از طریق جنگ‌های گسترده خود را از این آشفتگی نجات دهد. اما انتهای خطی برای سیستم کاپیتالیسم و شروعی دوباره برای سیستم مدرنیته‌ی دموکراتیک است. رهبر آپو با آنالیز کردن این موضوع و آشکار کردن صورت حقیقی سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم، مدل سیستمی را تقدیم جامعه‌ی بشریت کرد که همه‌ی اقشار جامعه به نیروی خود مدیریتی ذاتی پی ببرند و نیازی به سیستم قدرت گرانداشته باشند. سیستم مدرنیته‌ی دموکراتیک مدل سیستمی است که رهبر آپو برای جامعه پیشنهاد می‌کند، هدف بنیان گذاری چنین سیستمی حق تعیین سرنوشت ملت ها به دست خودشان است. همه‌ی اقشار جامعه حق این را دارند که نیروی تصمیم گیری حال و آینده را داشته باشند. در داخل سیستم مدرنیته‌ی دموکراتیک اراده‌ی آزاد وجود انسان‌ها را در برمی

باشند. در سیستم کاپیتالیسم بخاطر کم سن و سالی جوانان مرزی را برای تصمیم گیری جوانان تعین می کنند و یا به کلی حق تصمیم گیری را ندارند. اما در سیستم مدرنیته‌ی دموکراتیک جوانان حق این را دارند که در کارهای حساس و مهم که سرنوشت ساز هستند، نقش تصمیم گیرنده را داشته باشند. اگر جوانان بتوانند به هویت حقیقی خود برسند شکی نیست که جامعه به هویت خود نیز رسیده است. هویت دیگر جوانان این است که در برابر قدرت گرایی بالایی مبارزه کنند، چون اگر قدرت گرایی بالایی موفق شود، جامعه قدرت خود را از دست خواهد داد. واقعیت این است که بعداز سرکار آمدن سیستم مدرنیته‌ی کاپیتالیسم جوانان همیشه بدون تجربه مانده‌اند و تاثیرات پدرسالاری و ژنتوکراسی یکی از عاملان اساسی این موضوع هستند. هدف هر دو ذهنیت این بوده که جوانان نتوانند به هویت جوان بودن برسند. همیشه بزرگ ترین خیال و آرزوی جوانان این بوده است که روزی بتوانند خود و جامعه‌ی خود را مدیریت و به هویت اساسی جوان بودن برسند. همه‌ی ما جوانان باید امروز به این حقیقت پی ببریم، سیستمی که بتوانیم خیال و آرزوی خود را به انجام برسانیم رهبر آپو با سال‌ها مبارزه بنیان گذاری چنین سیستمی را کرده‌است، خط تئوری و عملی آن را به ما نشان داده است. برای به موفقیت رساندن و انجام گرفتن لازم است همه‌ی جوانان قدمی بزرگی بردارند زیرا تلاش و مبارزه‌ی ما جوانان باعث می‌شود که سیستم مدرنیته‌ی دموکراتیک جهانگیر شود و جامعه به آزادی خود برسد. در پایان مسئله‌ای که هیچ موقع نباید از یاد ببریم آن است، خود مدیریتی حق همه‌ی انسانیت است و همه‌ی انسانیت بخصوص جوانان در برابر این سیستم مسئولیت دارند.

# نامه رفیق زینب جلالیان



چگونه توانستی مهر مادری، محبت پدری و عشق به همنوع را نادیده بگیری؟  
به خاطر کدام مصلحت؟ نو وجودان و انسانیت خود را به چه فروختی؟ حق زیستن و نفس کشیدن را به چه قیمتی معامله کردی؟

به چه بهایی این همه آرزو را می کنی؟ چگونه می توانی به این راحتی، جوانان سرزمین مادری ات را قربانی کنی؟  
خود خواهی تو به جایی رسیده که تنها چیزی که تو را راضی می کند، حکم مرگ دیگران است.  
تو که دستانت به خون دیگران آلوده است، بدان هیچ کس، حتی تو، صلاحیت گرفتن حق زندگی را از انسانی ندارد.  
چگونه توانستی وقتی قلم به دست گرفتی، احکام اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی و برادران ما را صادر کنی؟ آیا جان آدمی این قدر برایت بی ارزش شده است؟ به کدام خطای؟ به کدام گناه؟ به استناد کدام حقوق بشر؟  
ما را به قربانگاهی می فرستی که طناب نیمه ضخیم از گیسوان بریده مادران قربانیانت بافته شده است. چه عاملی تو را به این وادی تاریک کشانده است؟ برایت اندوهگیننم، برای تو که تمامی اصول انسانی را زیر پا گذاشته‌ای و همه پل‌های پشت سرت را ویران کرده‌ای. ای شکنجه‌گر و قاضی نا عادل!

با وجود تمام ظلم‌هایی که بر ما روا داشته‌ای، بدان که من به دنیال انتقام نخواهم بود. من از حق خود می گذرم و تو را می بخشم. این تفاوت من و تو نست.

وریشه گیان، پخشان گیان، دلم می گیرد....

دلم می گیرد وقتی به من می گویند که دیروز، شما قلم در دست گرفتید و علیه اعدام من و همزمانم نوشتشید، اما امروز خودتان محکوم به اعدام شده‌اید. دلم می گیرد در شهری که پاداش انسانیت یا ذلت است یا مرگ با حکم حكام.  
دلم می گیرد از سرزمینی که حق اندیشیدن و حق زیستن را از مردمانش دریغ می کنند. دلم می گیرد وقتی دیر به مادران مان زنگ می زنیم و با ناباوری می پرسند: روله، تویی؟ چون سایه شوم اعدام بر سر شهر و دیارمان سایه افکنده است.

من با تمام وجود، حکم اعدام را محکوم می کنم. از همه زنان جهان، آزادگاه دنیا، سازمان‌های حقوق بشری و هر کسی که هر کاری از دستش برمی آید، می خواهم حمایت خود را از محکومان به اعدام دریغ نکنند. در برابر حکم اعدام همنوعتان سکوت نکنید!



## آزادی و عدالت با مبارزه‌ی زنان میسر میگردد

• دنیز دریا

از ذهنیت جنسیت‌گرایی جامعه می‌توان زندگی برابر و آزاد را کسب کرد و همچنین با زن میتوان جامعه‌ای مشترک و برابر و زندگی دمکراتیک و آزاد را بنا نهاد. با طریق و شیوه‌های دیگر مبارزه کردن بی ارزش و بی معنای باشد. جنبشی شدن زنان و مبارزه و مقاومت آنان پیدایش جنبش‌های فمینیستی مانند سیلی ای در برابر حاکمیت مرد بود. زنانی که شهروند به حساب نمی‌آمدند، حق رای دادن و انتخاب شدن را به آنان نمی‌دادند. در برابر این ذهنیت به پا خواستند. زنانی که در کارخانجات ساعتها کار میکردند و دسترنج آنها را اشغال میکردند در برابر این وضعیت و پایان دادن به این ظلم قیام کردند. به اندازه مرد کارگر نیز دستمزد نداشتند. مرد ۸ ساعت کار

بردگی و استثمار بر روی زن تنها با ایدئولوژی عمیق رستگاری زن و با به حرکت درآمدن زنان شکسته می‌شود. زنی که بدون جنبش، بدون فکر و فلسفه و سیاست اقدام به مبارزه کند محکوم به سرکوب و نابودی است. جنبش‌های جهانی زنان که نتوانستند موفق شوند به همین خاطر بود. جنبش‌های فمینیست که نتوانستند خود را از این ذهنیت نجات دهند و صاحب فکر مستقل شوند نیز با دادن بعضی حقوق ابتدایی و کم اهمیت توسط سیستم، مارژینال شده و آنان نیز بخشی از سیستم حاکم شدند. حتی بعضی از سازمان‌های به همین سبب فعالیت و جست و جوی زنان را محدود کردند. یعنی اگر زنان صاحب فکر و پروژه آزادی نباشد نمی‌تواند به پیروزی برسند. با گذار

که زنان در آن مقاومت کردند را سوزاند و در آنجا ۱۲۹ زن عصیانگر زنده زنده در آتش سوختند. آن روز یعنی ۸ مارس که مالامال از شرم و نگون بختی بود به پیشنهاد کلارا زدکین در دومین کونفرانس بین المللی زنان سوسیالیست به عنوان روز مقاومت و مبارزه زنان انتخاب شد. از آن روز به بعد تا امروز نیز ۸ مارس، زنان در سراسر جهان با فعالیت‌های دموکراتیک و راهپیمایی‌های عظیم این روز را گرامی میدارند. هرچقدر این روز بر اساس مقاومت آن زنان انتخاب شده باشد نیز اما مقاومت تمامی زنان را در طول تاریخ نشان می‌دهد و یادآور تمامی آن زنان است و نشانه‌ی نیرومند کردن اتحاد و مبارزه مشترک زنان است. ۸ مارس یعنی زن خود صاحب اراده و تصمیم است و روز ملت شدن زنان است. ۸ مارس روز جهانی زنان، روزی است که زن پیمان و عهد زندگی ای آزاد و دموکراتیک را تازه می‌کند.

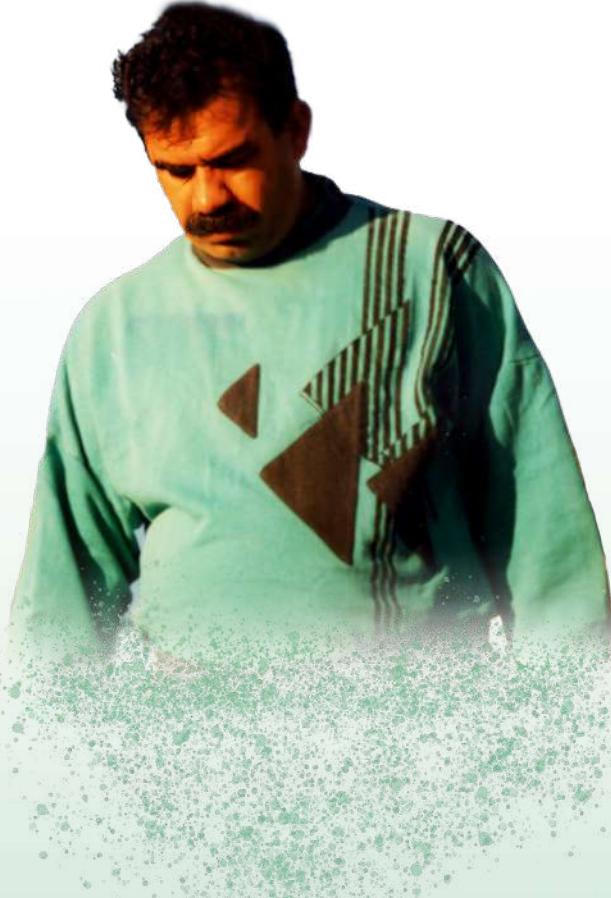
میکرد و اما زنان ۱۲ ساعت در شرایط دشوار و زحمت کار میکردند و دستمزد آنان از مردها نیز کمتر بود. این وضعیت در بسیاری از نقاط جهان به همین منوال بود. سال ۱۸۵۷ زنانی که در کارخانه دوخت لباس آمریکا ساعتها کار می‌کردند اما از طرف سیستم مردسالار رنج و زحمت آنان پایمال و مورد آزار و اذیت می‌گرفتند، دست به اعتصاب میزنند و با شعارهای ساده بر اساس کار برابر و دستمزد مساوی خواستار حق خود می‌شوند. آنان چیز زیادی نخواستند تنها مثل مردان در شرایط و امکانات برابر کار کردن و دستمزد و برخورد برابر را خواستار بودند. اما پاسخ به این خواستار انسانی آنان توسط مردان حاکم قتل و عام وحشیانه بود. این قتل عام در زمان خود یک برگ سیاه بود. ۱۲۹ زن با مقاومت خود به بذری تبدیل شدند برای هر زمانی. دولتی که از انسانیت هیچ سهمی نبرده آن کارخانه ای



# دختران

شیوه

## ستاره‌ها هستند



● خاطراتی با رهبر آپو

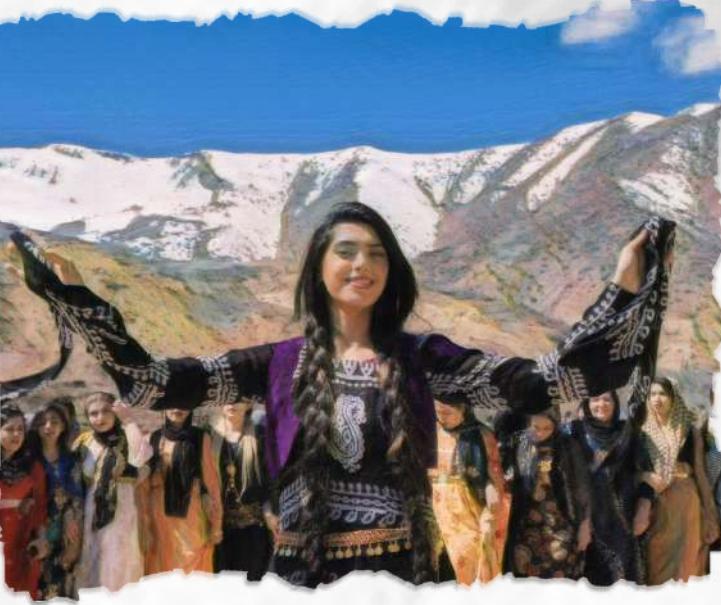
کرد. رهبری در اتاق تلویزیون بود. ما هم در آشیخانه بودیم. وقتی رهبری صدا کرد و گفت: زود باشید همه بیاین اینجا. همگی با سراسریمگی و هیجان زده به طرف وی دویدیم. فوراً مارا پشت بام بردا، پشت بام بسیار وسیع بود. رهبری گفت: امروز قرار است از آسمان باران شهاب سنگ بیارد، رویدادی است که چهل سال یکبار اتفاق می‌افتد، ستاره‌ها جابه‌جا می‌شوند اما در این رویداد آسمان هم بارانی خواهد شد. سال ۱۹۹۳ بود، اصلاً نمی‌توانم فراموش کنم. گفت: قرار است شهاب سنگ بیارد، نگاه کنیم، ببینیم چطور چیزیه. هر یک در گوش‌های سنگر بگیریدا هر یک از ما را در گوش‌های امنی

نظم زندگی او بسیار دقت‌برانگیز بود. صبح زود از خواب بیدار می‌شود، پانزده بیست دقیقه را صرف صحانه می‌کرد و بعد شروع می‌کرد به فعالیت آموزش کارد! در میانه‌ی فعالیت تمام برنامه‌ی تلویزیونی، موسیقی، ورزش، فیلم و به خصوص تمام برنامه‌های گفت‌وگویی را تماشا می‌کرد. حتی تلویزیون تماشا کردنیش نیز با ما تفاوت داشت. وی هر چیزی را که تماشا می‌کرد، دستخوش تفسیر می‌نمود و به این شکل نظام را تحلیل می‌کرد. در طرز نگرشش به رسانه‌ها، آن چیزها را تحلیل می‌کرد که نظام خلق کرده بود. آن روز در اخبار شبکه‌ی تلویزیونی بی‌بی‌سی این خبر پخش شد که شهاب سنگ‌ها در آسمان رویت خواهند شد و از تمام جهان می‌توان آن را تماشا

رهبری گفت: بیچاره‌ها حالا با خود می‌گویند خدا می‌داند رهبری چرا مارابه پشت بام کشانده است. اساساً من با ریزبینی و ظرافت شهاب سنگ فکر می‌کنم. علاقه‌ی بسیار بزرگی نسبت به فضا دارم. فکر می‌کنم بسیاری از چیزها در واقعیت فضا، در واقعیت کیهان پنهان است. در ضمن به این فکر می‌کنم. در واقع هر یک از دختران ماننده ستاره‌ای می‌مانند. هر یک از دختران ماننده ستاره‌های هستند، اما روشنایی آنان خاموش شده، نور آن‌ها خاموش گشته است. من می‌خواهم هر یک از شما تبدیل به آن ستاره‌های درخشان در آسمان کنم! ای بوی پیر، انسانی در سن و سال شصت سالگی، حتی او نیز با شور و شوق رهبری به تحرک در آمده بود. بعد از اینکه علاقه‌اش را نسبت به فضا، ستاره‌ها و گالاکسی بیان کرد، در تشبیه زنان به ستاره‌ها یک گرمی و آغوش فوق العاده احساس کرد. همگی از سخنانش مستشدند بودیم.

گذاشت و خودش هم شروع کرد بهاینور و آنور پریدن داخل دایره و گفت: از هر کجا که دیدید، خبر بدیدا همگی خیلی هیجان زده بودیم. ولی رهبری از همه‌ی ما هیجان زده‌تر بود. یکی از رفقا داد زد و گفت: رهبرم اونجا است. رهبری گفت: کجاست، کجاست! و مانند یک کودک با شور از این طرف به آن طرف می‌دوید. ای بو گفت: رهبرم، یکی هم اونجاست. رهبری به طرف وی دوید، رفیق دیگری گفت: رهبرم، یکی دیگر هم اینجاست. و رهبری تلاش می‌کرد هر بار به سمتی بددود. مانند بچه‌ها و دوان دوان هر بار به طرفی می‌دوید. آن وقت دیدم که صاحب چه دینامیزم خارق! اعاده‌ای است. آنقدر به این طرف و آن طرف دویده بود که نفسش بند آمده و خسته شده بود. ما از طرفی سعی می‌کردیم کمکش کنیم و از طرفی هم فهم چندانی از این کارها نداشتیم.





# زنان اندیشمند عالمی

## دارای زیبایی خاص

### هستند

● روکن نغده

جاگذاشته اند که معیار زندگی زیبا و زن زیبا که در آن نهفته است. اندیشه آزاد زیبایی را بعنوان شخصیت آزاد به فرد تقدیم می‌کند. یعنی زن اندیشمند اجازه زندگی پلید را به جامعه نمی‌دهد، دارای قوانین ویژه و احترام به آن است. می‌داند برای سپاسگذاری چه راه و رسمی را باید در پیش داشته باشد، از تمام نعمت‌ها و رنج بشری حفاظت می‌کند. برای آن بی‌عمان می‌جنگد، بدون شرط در مقابل اشتباهات مبارزه می‌کند، معیارهای رد و قبول را به جامی آورد. برای تغییرات ذهنی مدام خلاقیت بکار می‌برد، از روابط میان انسانها زبان و رفتار مخصوص به خود را دارد. صداقت و مهربانی به انسانها را با احساس نشان می‌دهد. دارای مسئولیت اجتماعی است، این یکی از ویژه‌گی های زن می‌باشد و زن با آن به علم اجتماعی دست پیدا کرد. همچنین توانست با چنین هنری که دارد به مرتبه الهه-مادر

چرا زنان الهه و دانا که آن‌ها را جادوگر خطاب می‌کنند در تاریخ گم شده بودند، به چه دلیل به علم توجه خاصی داشتند؟ این علم چه بود و در باره چه چیزی بود؟ می‌خواستند چه کار کنند که تا این حد به علم و دانایی علاق داشتند؟ بهتر است بگوییم به روش‌نفرکری احتیاج داشتند، چرا؟ زنان جوان با تحقیق این سوالات جوابهایی را نیز بیابند و در این چهار چوب هم گام بردارند. اگر بخواهیم زیبا باشیم باید برای آن بجنگیم، اگر بخواهیم آزاد زندگی کنیم باید برای آن هر گونه ریسک را به جان بخیریم. چون زنی که می‌جنگد می‌شود هم دوست داشتنی که زیبا می‌شود هم در تاریخ، زنان زیادی داریم و هم امروز که برای حیات و انسان آزاد قهرمانانه جنگیدند و می‌جنگند، از لیلیت گرفته تا ساراها و بریتانها، از زیلان‌ها گرفته تا ویان و آسیا. از جمله زنانی هستند که رمز زیبایی را گشودند، میراثی برای تمام زنان جوان

جوانان کورد در صفوف گریلا به سطح شخصیت آزاد می‌رسند. در جامعه نیز جوانان ما باید گریلا را الگویی برای خود بدانند و از تمام رفتار و اخلاقی که نظام حاکم در شخصیت آنها ساخت است رهایشوند. برای رهای از این سیستم نیاز به پرسش چگونه باید زیست و کی باید بود احتیاج دارند. اگر زنان جوان بخواهند انقلاب زن در ایران و شرق کوردستان نتیجه بخش باشد، صد در صد لازم است در فکر و ذهنشان انقلاب درست کنند، آن هم با فلسفه زندگی آزاد که با چگونه باید زیست ممکن است. پیشاہنگی زنان جوان و مسئولیت ۸ مارس را برعهده گرفتن تنها باشناخت تاریخ و به دست آوردن «خوب‌بودن» ممکن می‌باشد. انقلاب با تغییرات روزانه و درک بدی و خوبی، زیبایی و زشتی، تاریکی و روشنایی، همچنین انتخاب راه درست، زندگی درست می‌شود. اگر ما دارای چنین اندیشه‌ای نباشیم نیروی کافی نخواهیم داشت برای ادامه مبارزه و موفقیت، چیزی که ما را نیرومند می‌کند رسیدن به عقل من متعلق به خود هستم می‌باشد. در شرق کوردستان و ایران زنان جوان با خلاقیت زیادی در برابر رژیم ضد زن دست به اقدام و مبارزه عظیم زدند. این جسارت و مقاومت زنان جوان را به زیبایی ابدی و به مقام ستاره‌ها می‌رساند. ژنولوژی محتوای اتیک-استیک را با همان موضوعی که در بالا بحث نمودیم پر می‌کند. زنان جوان در سده ۲۱ با ژنولوژی می‌توانند به اتیک-استیک برسند و ۸ مارس را نیز به مقاومت روزانه تبدیل کنند.

بررسد، چیزی که باعث شد زن مقدس و زیبا باشد ویژه گی هایی او بودند، نه اینکه زیبایی فیزیکی او. زن در واقع هیچ وقت به دنبال زیبایی ظاهری نبود، بلکه دنبال زیبایی فکری و اخلاقی بود. ولی نظام مردسالاری زن را به وضعیتی در آورد که دنبال زیبایی ظاهری باشد، از خود بیگانه گردد و تلاش کند تا برده ای کامل شود. زنان جوان با رد نمودن این وضعیت، لازم است که برنامه نظام مردسالار برای زنان چی می‌باشد، شناخته و برنامه‌های برای مبارزه با آن داشته باشد. در انقلاب زن که با فلسفه زن ژیان آزادی آغاز شده است ما روزانه شاهد مبارزه زنان و تلاش هایشان برای زندگی زیبا بودیم. شاید ابتدا زیاد اهداف مشخصی نداشتند و برای فراهم آوردن چند بابت جزئی دست به اعتراضات می‌زنند و به انقلاب می‌پیوندند. اما برایشان معلوم می‌شود که این خواسته‌های کوچک جوابگوی او نیستند، به همین دلیل برای خود اهداف گذاشته و برای رسیدن به آن هم هر گونه فدایکاری را انجام می‌دهند. به زنان جوانی که چنین هستند باید فرست داد و صبر کرد تا خود را بیابد و برای شناخت خود باید بهشون کمک کرد. بزرگترین کمک هم درک است ما باید همدمیگر را درک کنیم، زنان جوان و مردان جوان باید از اندیشه‌ای عقب افتاده دوری کنند و ارتباطی پیشرفت و آزاد لایق شخصیت خود بدانند. رهبر آپو معیار زن و مرد آزاد را خیلی وقت است که مبناقرار داده و در کوردستان



# درخت زالزالک

این گیاه دارای سه نوع زرد، سیاه و قرمز (شغالی) می‌باشد. زالزالک در ایران در استان‌های خراسان شمالی، قزوین، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، اردبیل، لرستان، گیلان، مازندران، مرکزی، قم، همدان، اصفهان، سنه، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، خوزستان، کرمان، چهارمحال وبختیاری و ایلام می‌روید. که رتبه اول تولید زالزالک در ایران به آذربایجان شرقی تعلق دارد. در همدان به این میوه گیویج می‌گویند. در دیگر گویش‌های فارسی نام‌هایی مانند کوتی (گیلکی)، گیویج (در گویش همدانی)، گویج (در اصفهانی)، سی یف (در تالشی)، «تاخوم» (هزارگی) «کیالک» (گویش استان فارس)، «دولانه» (تاجیکی و خراسان شمالی) رایج است. همچنین در دیگر زبانهای ایرانی نام‌هایی مانند گیرچ (در لری فیلی)، سیسته (لری بختیاری، سیسن هم گفته می‌شود)، «گیرچ» (لری) (بلچ یا گوزی (کردی) و کهری (در منطقه الموت) بکار برده می‌شود. در زبان ترکی به این میوه «یئمیشان» گفته می‌شود. در زبان مازندرانی (ولیک) نامیده می‌شود. زالزالک که یک گیاه ضد نارسائی قلبی و کاهش دهنده فشار خون است، خاصیت ضد اضطراب نیز دارد. در یک مطالعه دوسوکور راندم همراه با گروه کنترل و دارونما اثربخشی عصاره گیاهی زالزالک در درمان اختلالات ناشی از اضطراب بر روی ۲۶۴ نفر مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که این دارو در درمان اضطراب کاملاً مؤثر است.

# نهورز جهزني ئازادي



## • هاوارى ئاويه •

ئەگەر چاولى بىكەين ھەر گەلېك مىزويەكى بە نىخى ھەيە وزبانى ئەورۇ لە سەر ئەساسى ئەو مىزويە بەرىيە دەچىت. ئەوهى كە گەلېك بەرىيە دەبات و لە جەوهەرى راستىنە خۆى دا دەيىشىنەت چاندى ئەو گەلەيەو ئەويش بە تىكۈشىن و ھەولانىكى زۇرتا رۆزى ئەورۇ ھاتوھ. بنگەي ھەمۈسى ئەوانە دەگەرىتەو بۇ خۇراڭرى و شەركەن بەرامبەر زۇردارى و تارىكى. ھەر بەرخۇدانىيەك كە لە مىزwoo دا كراوه پىشە رۆزىكى روناكى ساز كردووھ و لەسەر ئەساسى ئەو بەرخۇدانى ژيانىكى بە رۈومەت كراوه و ھەتاکوو ئىستاش ھەر بەردهوامە. بە ھەزاران سالە كە زۇرداران و تارىك پەرەستان دەيانھەۋى گەلان قىركەن و ئىرادە و ھىزى وان بىخەنە نىپو تارىكايى بەلام ئەوهى كە ھەردەم سەركەتووھ و سەرددەكەۋى ھىزى بەرخۇدانە. لە كۈمەلگەمى سروشتى دا لە سەر خاكى پىرۇز ژيان لە رىگاي چاندىنى وەرچەرخاوه ئەو بەرھەمانەش بە تەواوهتى لە دەستى دايىك دابۇوھ و ھەر دايىك بىووھ كە ھەردەم ھەولى داوه كە بۆخۇي پىداویستىيەكانى ژيان دابىن بىكت. ھەر بۇيە كە لە دەستىپىتكەوە زۇرداران حەولى ئەوهىيان داوه كە ئەو بەرھەمانەي لە دەستى دايىك دابۇون بىان دىن. لە مىزwoo دا ھەردەم لە گەل نوى بۇونھوھ جىزىن گىراوه و پىشوازى لى كراوه. بۇ وىنە لە گەل تەواو بونى زستان و بە ھاتنى بەھار سروشت دووبىارە خۆى لە جىل و بەرگى نوى داوىت و گىا و گەنم شىن دەبىت. لە واتاي خۆى دا دەبىتە رۇزى نوى ياخۇد دووبىارە ژيانەوە. لە گەل ھاتنى بەھار جىزىنى نەورۇز دىتە گرتىن لە ئەساسى خۆى دا بە واتاي نوى بۇونە، لە قۇناغىك را چۈون بەرەو قۇناغىكى دىكەيە. لەورۇزە دا پەرەدى تارىكى بە رۇوناكى بەرخۇدان تىك دەشكىت و زولەم وزۇردارى لە ناو دەچىت. ئاگرى نەورۇز دىتە ئەو واتايەي كە ناپاكيە كان دەسوتىن و خاونىن دەبن و لە دەورى خۆى ژيانىكى بەرۈومەت ئاوا دەكت و ھىزى ژيان دەبەخشىنەت.

جهستهی خویان ئاگری نهورۆزیان پیرۆز کرد و زۆتر گەشاندیانەوە. بۇ وىنە شەھید زەکىھ ئاللەkan، شەھید رەھشان دەمیرل، شەھید سەما يوجه و هەروھا چەندىن قارەمانى دىكەش كە ئەورۆ لە نىيۇ گەللى ئىمە بۇون بە سەمبولى بەرخۇدان و پىشەنگى گەلەكەمان. ئەوهش ئەوه نىشان دەدات كە گەللى ئىمە لە مىزۇي دىرىنەي خویەوە ھەتاکوو رۆژى ئەورۆ، ناحقى و زولمى قەبۈل نەكىدۇ و بەرامبەرى راۋەستاوهتەوە و بە تىكۈشان جوابى خویان داوهتەوە. ئەوهى كە دەكەۋىتە سەر شانى ئىمە لە رۆژى نەورۆز دا، ھەرددم بېرىھىنانەوهى ئەو قارەمانانەيە و پىويسىتە ھەرددم بە رىگاي وان دا بىرۇين و مەشعللى ئاگری دەستى وان بگەيەنин بە نەوه كانى داھاتوومان و بە روحى ئاگری نەورۆز ھەممۇو تارىكىيەكان رۇناك بکەين و زولىم و زۆردارى لە ولات و سەرگەل نەھىللىن و بە روحى نەورۆز لە دەورى يەكتەر كۆم بىيىن و ھاوکات لەگەللى ھەنگەرەي گەلەكەمان رېبىھە ئاپۇ جىئىنى نەورۆز پىرۆز بکەين.

لە بىرمە مندال بۇوین و دايە گەورەمان ئىيمەي كۆم دەكىد و داستانى بۇ باس دەكىدىن. دەيگوت كە لە راپردوو دا زوحاكىك ھەبۇوە و پاشا بۇوە، تەواوەتى ژيانى خۇى بە زوولىم و زۆردارى بەسەر بىردووە و ھەرددم لە مردن دەترسا. بۇ ئەوهى كە نەمرىت ھەر كارىكى دەكىد و مىشكى گەنجانى دەخوارد. لە بەرامبەر ئەو زولىم و ناھقىيە، كاوهى ئاسىنكار سەرى ھەلدا و ئاگری ئازادى گەلانى گەش كرد. بەمە شىۋاز كۆتايى بە زوحاك ھات و ئەو رۆزە بۇو بە جەزىنى گەلان. ھەربۆيە لەو كاتەوه ئاگر بۇ گەللى كورد بۇو بە سەمبولى سەركەوتىن. دواى ئەوهش لە كوردىستان دا بەرخۇدانى زۆر كراون و نىوييان لە دەفتەرى مىژۇ دا نووسراوه بەلام دىسانىش زولىم و زۆردارى لەسەر گەللى ئىمە ھەبۇوە. سالانىكى درېز بۇو نەورۆز لە كوردىستان دا لەبەر زەخت و زۆرى تارىك پەرەستان رەنگى كەم ببۇو. كەسىكىش پە بە دەم نەيدەتوانى كە بلىت كوردم و دواى ئەو ھەممۇو بىيىايى و ترسەي كە ھەبۇو، رېبىھە ئاپۇ ئەو ھىوايەي لە دلى ھەر كەسىك دا زىندۇو كردهو و بە تىكۈشىنىكى كە دەستى پىكىرد گەللى كوردى سەر لە نوى ژياندەوە ھەر وھ كەو چۈن دارىك سەر لە نوى شىن دەبىتەوە. بە چالاكى شەھيد مەزلىم دۇغان، لە شەھى نەورۆزى سالى ۱۹۸۲ لە بەندىخانەي ئامەد، كە ئاگرى بەردا جەستەي خۇى، ئاگرى نەورۆز بۇ جارىكى دى سەر لە نوى گەشتىر بۇوە و بە جەستەي خۇى جىئىنى نەورۆزى پىرۆز كرد. شەھيد مەزلىم وھ كەو كاوهى ھەمدەم بىناسە دەكىيت و بۇوەتە سەمبولى بەرخۇدان لە ناو گەللى كورد دا. پشتى وېش وېنەي دەيان پىشەنگى دىكەمان ھەيە كە بە سوتاندىنى



# پیکهینانی

## خه يالى

## مندالى

● رۆژهات چلچمه

بۇ ماوهىەك لە لاي هەۋالان مامەوە و دواي  
چەند كاڭمىئىر رۇيىشتىم بۇ ماوهى چەن سال  
گريلام نەبىنى بەلام ھەرددم بەو خەياللەوە  
دەزىيام. هەتا تمەنم بۇو بە ۱۳ سال جارىكى  
دى هەۋالىم بىنىنەوە زۆر دلخوش بوم كە ئەو  
شانسەم ھەبۇو. پرسى زۇرىيان لييم كرد گوتىيان  
بەلىيىن بىدە كە لە گەلمان بىيى گوتىم باشە  
بەلىيىن بىت، بۇ ماوهى ۵ سال نەمبىننەوە،  
لەم ماوهى مىسالدا خەونى زۆرم دەبىنى،  
جارىك شەھيد سارا (سەكىنه جانسىز) ھاتە  
خەونىم لە شارىكدا بويىن ئەو شارە زۆر جەنجال  
بۇو، وەكۈو ئەوهى كە شۇرۇش كرابىت. شەھيد  
سارا لە لاي جادە راوه ستابوو رۇيىشتىم بۇ لاي  
گۇوتىم هەۋال لىرە چى دەكەي مەگەر شەھيد  
نەبۈى؟ گوتى نە من شەھيد نەبوم ھەرلە ڇيان  
دام. پىكەھە رۇيىشتىن بۇ چىچەمە، لە رىيگادا  
ھەۋال سارام لى ون بۇو. ھەرچەند لە شۇينى  
دەگەرام نەمدەبىنېوە. يەكىك لە خەياللە كانى  
ھەرددم دىتنى ھەۋال بۇوە. دەم تىپەر دەبۇو  
ھەر بەو خەياللەوە دەزىيام و كاتىك دەرۇيىشتىم

تمەنەم ۶ سال بۇو، كاتىك گريلام بىنى لەو  
كاتە چاوه كانىم شۇك مابۇو. بى دەنگ دەھاتىمو  
دەرۇيىشتىم. هەۋالان ھەموويان كارييان دەكرد  
سەرقاڭ بۇن لە ناو كار دا وله گەل يەكدا، جارجار  
دەھاتنە لام و يارىيان لە گەلەم دا دەكرد، كاتىك  
قسەيان دەكرد لە ھەر گوتىك دا ھزاران  
شىئىر و ئاوازى تىدا بۇو. ھەستىكى زۆر جوان  
لە ناخىمدا دروست دەبۇو، خەرىك دەبوم كە  
عاشق دەبوم، عاشقى جله كانيان، گوتىنە كانيان،  
دەمگوت ئەوانە فريشتهى ئەم دونيايەن. لەو  
كاتەدا پرسىيارىكىم كرد لە ھەۋالىك، گوتى  
رېبىر ئاپقا پىغەمبەرە و گريلاكان فريشته كانى  
رەستە منىش دەكەومە ناو فكىر چاولىدە كەم  
ھەموويان لە ناو يەكدا پاك و بە هيىزن و ماندوو  
نابىن و ھەستيان بەھىزە و دەتوانىن پىشە رۇز  
تەحليل بىكەن بە دلىنيايەوە وايە. شۇك مابۇم  
بى دەنگ بۇوم كەوتىم ناو خەياللى رېيگاي  
ئازادى، دەمگوت بلىيى رۇزىك بىم بە گريلا.

روناکی بالم گرتووه. ئیستا گریلایه کم چەک  
ھەلگری ولات و تیکوشان دەکەم بۇ گەله کەم،  
گریلایه کم عاشقی رېگای ئازادى، دەخوینەم  
ئاوازى ئازادى كوردستان وەنگاو دەنیم بۇ  
ئازادى جەستەيى رېبەر ئاپقا، بۇ ئەو رېبەرەي  
كە دەبىزىت» من خيانەتم بە خيالى مندالى  
خۆم نەكەر، ئەوهى خيانەت لە خەيالەكانى  
مندالى نەكات دەچىت بەرەو ئازادى.

بۇ ناوشار سەيرى ئەو گەلەم دەکەد لەناو ج  
تالىيەكدا ژيان دەكەن بە خۆمم دەمگوت كە  
من بۈچى ليりم بۇ ناتوانم هيچشتىك بکەم.  
لەلایەك سەيرىم دەکەد گەنجىك بە هوى  
سەختى ژيان دەستى بە مواد فرۇشتن كەدوھ،  
لە لايەكى دىكەھو زن وجەوان دەستىيان بە  
كىشانى مادەھى ھوشبەر كەدوھ و بە ناوى عەشق  
ھەزاران تەجاوز دەكەن و زۆرىك لە ژنان  
لەبەر زەخت و زۆرى خويان دەكۆژن. سەيرى  
كۆلبەرانم دەکەد لە ژىر گولە باران گيانيان  
بەخت دەكەن ئەگەر ليىرە بەنینم نەھقى  
دەكەم پىويسىتە بچەم ناو رىزى تیکوشانەھو و  
ھەمبەر ئەو زۆلم و داگىركەرييە شەر بکەم و  
ھەموويان لە ژىر دەستى دوزەمن رېگار بکەم  
ھەموويان مافى خۆيانە كە بە ئازادى بىزىن.  
ھەر دەم دادەنىشىتم ئەو پرسىيانەم لە خۆم  
دەکەد و دەگەرام و دەمگوت كە چارەسەرى  
دەبى بىنەھو. دواي ھەفلاڭىم بىنەھو  
گوتىم كە رېگايى چارەسەرى ئەو كىشانە تەنبا  
بەشدار بۇونە و بېيارى خۆمم دا و ھەفلاڭ زور  
دلخوش بۇن. ئەو شەھە خەونىم بە ھەفلاڭ  
جەمال و رېبەر ئاپۇوھ بىنى لەخەوە كە مدا  
ھەفلاڭ جەمال هات دەستىمى گرت و گوتى  
ئەو من دەروم چەند رۇزى تر دىيم بە دوات  
دا و رېبەر ئاپقا وەكۈو نورىك دەھات و دەچۈو،  
چاوم لېدەكەد و پى دەكەنلى لە ناو خەودا زور  
گريام، دايىم هات و خەبەرى كەدمەھو و گوتى  
چى بۇ؟ منىش باسى خەونە كم بۇيى كەد  
ۋەھىش زۇر دلخوش بۇو كە گۇوتىم بېيارام  
داوە. گوتى بچۇ ولاتە كەت و گەلەكت رېگار  
بکە و بېھ جىگاي شانازى بۇ گەلە كەت. لە گەل  
دايىم باوكم كەوتىنە رېگا و مالاوايىم لىيان  
كەد ورۇيىشىم بۇ لاي ھەفلاڭ رېگايى ئازادىم  
گرتە بەر، ھەستىم بە كۆتۈرىكى ئازاد دەكەد.  
گۇتنىكىم بىرەتەھو كە دەلى بەرەو ئاسۇ بەرەو



# بى ئامانج، كەسيكى

## بى روحە

● باهقز لەشكەر

ھەدەفى ئازەلان گۈيدىراوى غەريزىيە لە سەر ئەساسى پىك ھىننان پىداويسىتىيە كانيان، ژيانى مروۋەكانيش ھەر گۈيدىراوە بە ئارمانج بەلام جىاوازى مروۋ لەگەل ئازەلان ئەوهەيە كە هيىزى فكىرى ھەيە لە غەريزە دا سۇوردار نامىنىت. بە هيىزى فكىر كردنەوە ئارمانجە كانمان ئاقلانە دەبن وھەدەفى ئىمە سىاسى، كلتورى، ئابورى، كۆمەلايەتى دەبن. سىستەمى سەرمایىدارى بە رىگايى جۇراوجۇرا وەكوشەرى تايىبەتى دەولەتان) ھەول دەدات كە ئارمانجى ئىمە بە ئارمانجە غەريزى و مادىيە كانھوە سۇوردار بىكەت. ھەتا بتوانن كۆمەلگە كەمان لە بن چەنگى خۆيان بىگرن و ئارمانجە كانى تەبەقەي سەردەست و دەسەلات دار پىك بىنن. ئىمە كاتىك ئارمانجە كانمان بە هيىز دەكەين خۆمان لە گۈر ئارمانجە كانمان بە هيىز و رېكخستان دەكەين. ھەر چەند دەولەت بە زەخت و زۇر وەك لە ئىران و رۆزھلەت كوردىستان دا بە قەتل كردى خەلک لە ناو كۆمەلگە و لە سىدارە دانى چالاکوانانى

ديار كردنى خالىك لە پىشە رۆز دا كە بۇ گەيىشتىن بە ئەو خالىمى دىيارى كراوه، حەرەكەت دىتە كردن. خالى دىيارى كراو : ھەدەف، دىتە واتايىك كە ئارمانج ئىمە دەداتە حەرەكەت كردن. لىنگەرىن، ھەلبىزادن، رەد كردن و پەسەند كرن، بېيار گرتىن، پەتىك كردن و بە ئەنجام گەياندىن. رۆزىك مەجنون حەرەز دەكۈلىت و كەسىك بە پەنای دا تىپەر دەبىيت و لىلى دەپرسىت: مەجنون تۆ چى دەكەى؟ مەجنون وەلام دەداتەوە و دەلىت كە لە لەيلى دەگەرىم ئەو كەس سەردى دەسۈرمىت و دەلىت كە مەجنون شىت بىووه. لىرە دا ئەوه نشان دەدات كە مەجنون لە پىناؤ ئارمانجە كەمى دا كە لەيلىيە ھەر كارىك دەكتات و بەلگۇ بۇ وى دەزىيت و حەرەكەت دەكتات. كاتىك ئىمە بى ھەدەف و ئارمانج بىن، بى حەرەكەتىش دەبىيەن ھەر بۇيە بى ھەدەف ژيان ناكىيەت. ھەر زىنده وەرىك لە گەردون دا ھەدەفى ھەيە لە گىايىكەوە بىگرە تا مروۋ،

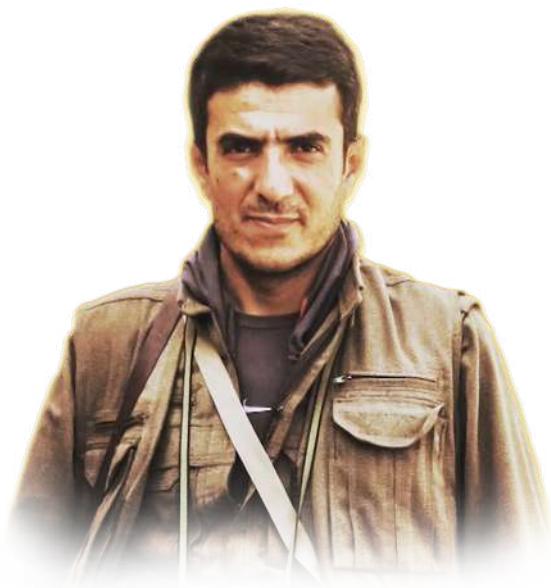
ئاپۇ كاتىك لە مندالى دا نەيان دەھىشت كە  
 بە مندالانى گوند ھاورىتى بکات، بنهمالەي  
 مندالان، مندالە كانيان نەدەدانە دەستى رىبەر  
 ئاپۇوه، ھەر بۇيە بۇي ناكۆكى بwoo. رىبەر ئاپۇ  
 لە سەرئەو باھتە دەلىت: (نەياندەھىشت زۇر و  
 بە دلى خۆم لە گەل مندالان يارى بکەم. لە  
 راستى دا بە جۈرىك ئازادى نەبwoo. يارى ئىمە  
 مندالانو ساده بۇون، شەر نەبwoo. يارى وەكۈو  
 چۈون بۇ سەر شاخ، رېپیوان، كۆم كىرىنەوەي  
 زەغەران وسۇزى و راو كىرىن بالنىدە ھەممو  
 ھەولدىمان بۇ ئەوانە بwoo. لە دەست پىكدا بە  
 زەحەمت مندالانم دەكشاندە ناو يارى بەلام  
 دواتر مندالان بۆخۇيان دەھاتن . ھەر وەك  
 گۇتم ئازادى لە مندالىيەوە دەست پىدەكتا).  
 بەوە رىبەر ئاپۇ ھاورىيەتى بە شىوازى دروست  
 و خاۋىن پېش خىست. كاتىك رىبەر ئاپۇ چوو  
 بۇ مەكتەب نەيتوانى بە زمانى كوردى قىسە  
 بکات و فير بېيت ناكۆكى بwoo وله بەرامبەرى  
 ئاسىملاسىيون و ژينۋسايد كە لە سەر گەلى  
 كورد بwoo راوهستا و ھەدەفى دىيار كرد. رىبەر  
 ئاپۇ دەلىت (ئىستاش لە بىرى من دايە. لە بن  
 سىبەرى دىوارى مزگەوت دانىشتبووم. قىسم  
 دەكىد كە پياۋىكى پىر سەرى گەراندەوە  
 بە منى گوت: كورى من ئىمە وەك دارى  
 ويشكىن، تو دەتوانى دىسان ئىمە بىزىننىھەو  
 رىبەر ئاپۇ ئەو دارە ويشكە كە بىناسەمى گەلى  
 كورد دەكت ھەدەفى گرت و ھەولدىنى ئەھەي دا  
 شىنى بکاتەوە و سەر لە نوئى زيان بىاتەوە، وەك  
 ئەھەي چۈن دەبىت دارى ويشك شىن بکەيەوە  
 يان گول لە سەر بەرد شىن بکەي، گەلى  
 كوردى بەو شىوازە شىن كردموھ. بە فكىرى  
 نويى ديموکراتىك، ئىكۆلۈزىك و ئازادىخوازى  
 ژن، ھەممۇ ۋىيان، ھەولدىان، بەرخۇدان، تىكۈشانى  
 خىستە خزمەتى ھەدەفەكانى تاسەركەتون.

مافى مرۇف كە نموونەيەك لە زەخت و  
 زۇر نىشان دەدات بەرامبەرى ئىمە راوهستىت  
 ئىمە پىداگرى دەكەين و سەركەتون بە  
 دەست دەخەين و ئارمانجەكان وەكۈ بۇ  
 خۇمان دىارمان كردوون پىكىان دىنин.  
 ئارمانج راستەو راست لە سەر ژيان كارىگەرى  
 دەكت، بۇيە سىستەمى سەرمایەدارى دەيھەۋىت  
 ئارمانجە كانمان سنور دار بکات تا بتوانى شىوازى  
 بگۇرۇتىت ھەر كەسىك فريو بىدات بکشىتىت بۇ  
 پىك ھينان ژيانى مادى، كە ژيانى مادى  
 خىستۆتە بن پول، هەتا ئىمە ئارمانجەمان پول  
 بىت و ئارمانجى ئىمە ژيانى مادى بىت و  
 بۇ ژيانى مادى پول پەيپەستە، گوشىيە كۈو  
 و ماشىنىك، مالىكى و دوكانىك، ھاۋىيە كۈو  
 ھاۋىزىنىك ھەبىت بۇ ئەھەي دەبىت نۆكەرى و  
 كۈيلايەتى پول بکەين لە مىزۇو دا نموونە ھەنە  
 كە بۇ گۇرانكارى ژيان، ھەدەف و ئارمانجە كان  
 دەگۇرۇن بۇ وىنە حەزەرتى مەممەد كە دا بwoo  
 سال د.ز ژيانى دەكىد لە سەرەدەمىكى دا بwoo  
 كە ژيانى عەرەبستان ئەو سەرەدەمە لە رۆزى  
 ئەورۇ دا بە سەرەدەمە نەزانتى عەرەبستان  
 پىناسە دەكىت. حەزەرتى مەممەد كەوتە  
 فەرقى ئەھەي كە ژيان بە ئەو شىوازە ھەلەيە  
 و دوور لە ئىنسانىتە ھەول دانى ئەھەي كرد  
 كە پارانەوە لە پەيكەر و دەسەلاتدارىك كە  
 لە پشتى پەيكەرانەوە لە سەر كۆمەلگا رابەر  
 دەكرا بگۇرۇت. بۇ گۇرانكارى شىوازى ژيان،  
 ئارمانجە كانى ئەساس گرتىن و گۇرۇنى بۇ  
 ئىنسانى بە ئىمان و دونيائى دواى مەدن. كە  
 گەيشتن بۇ ئەو ئارمانجە مەرفى بە ئىمان  
 دەبىت چۈن بىت پىناسە كرابوو. بەو شىوازە  
 ئارمانج و شىوازى ژيانى دىيار كرد بwoo.  
 لە ئەورۇ دا ئىمە دەبىت لە گۇر ناكۆكىيەك  
 كە لە ژيان دا دەركەون رىگاى راست  
 بىنین و ھەدەفى خۇمان دىيار بکەين، رىبەر



## ● شههید هلمت

گهنج و خوهندهوان و کوو پیکهاته یه کن سره کی کومه لگه روئی دیاریکه ریان  
 همه له تیکوشان و شورپشی گهلاند، زوربیه کات چالاکبوونی گهله ک  
 یاخود کومه لگه یه ک به چالاکبوونی گهنجان و خوینده فانه کانی ده پیوریست.  
 چونکه گهنجان ماته وزهی کومه لگه ن، ئه و وزه یه ن که هیشتا خهرج نه کراون و  
 ئاماده ن بؤ و رچه رخان بصره و کار و وزهی دینامیک، هر ئم وزه یه که گهنج  
 له ناخه وه ده کوئلیست و هانی دهدا بؤ تیکه لاوبوونیکی بئ سنوور له گهله نه و  
 ده دروبه رهی که تیدا ده ذی و زوربیه کاتیش هه ولده دات شتی نوی بنافریست.  
 گهنجبوون ئه و خولایه یه که حمز ده کات هه موو شتیک بناسیت و تاقیان  
 بکاته وه، به لام ناخوازیت هه موو شتیکیش و کو همه په سندی بکات



## ● شههید باران ماوه

گهنجیتی قوناغیکی زیرپسی زیانی هر تاکیکه،  
 به شیوه یه که ته والوی پیکهاته کانی کومه لگا  
 خوازیاری دریزه دان بهو قوناغه، خواست و هیوا  
 و خهیال کردن که تایبه تمهنده کانی گهنجیتیه  
 روو له کز بونون و پو کانوه ده کهن.  
 له راستی دا گهنجیتی هیزی به دیهینانی خهیال  
 و ئاواته که نه.

# Jiyana rast şaş nayê jiyan kirin

● Rênas Evalan

Felsefeya Rêbertî jiyana Rêbertî bi xwe ye. Rêber Apo şoreş û zayına ku di xwe de çêkirî bi hemû mirovahiyê re parve kir û rîyeke nû pêşkêş kir. Rêber Apo dibêje: Min tûrikek ji dîrokê da pişta xwe.

Di vî tûrikî de ci heye? Mîrateya mirovên egîd û camêr heye. Xwedî derketina çanda jin dayîka xwedawend û qêrîna wê ya hezarê salan heye. Hezkirina mirov û xwezayê heye. Di vî tûrikî de dahatiyek tijî eş a civakê heye. Dîsa serhildan û berxwedanî heye.

Em dibêjin Rêbertî, lê Rêbertiya ci? Rêbertiya azadî û heqîqetê. Ev feraset di Rêber Apo de bê dawiye. "Wê wisa neyê jiyan kirin" Rêber Apo bi vê dest bi lêgerîna azadî û heqîqetê kir. Dema mirovek bêje wisa nayê jiyan kirin, ev pirs derdikeve holê: Em çawa bijîn? Dema ev pirs pêşket û şûnde lêgerîna rastiyan derdikeve holê. A rast, a baş ci ye ev milê felsefeya etîk destnîsan dike. A xweşik ci ye ev jî milê felsefeya bi awayekî îdeolojîk tijîkirî û kir rîgezek bingehîn a bîrdoziya azadiya jin Rêber Apo ye. Dîsa dîrok, huner wêje û zani-sta ku ne li gorî rastî û berjewendiyêن civakê ne red kir. Her redkîrinek, ne pejrandinek, Rêbertî lêgerîna rîyeke alternatîf pêşxistiye. Pergala heyî û di nav de pêkhateya netew dewlet di cewherê xwe

de dijî civvakê ye. Ci bi darê zorê ci jî bi warê îdeolojîk de bi exlaq û wijdana civakê dilîze û bi vê re jî wê bê politîka dihêle, yanê qadêñ ku civak tê de xwe bi xwe bi rêve bibe tîne wê astê ku namîne. Em binêrin di seranserî cîhanê re pareznameyên Rêber Apo deng ve-dane, ji ber her nasnama bindest xelasiya xwe di fikrê Rêber Apo de dibînin ci jin, ciwan, ci netew û baweriyêñ cur bi cur ên ku azadî û wekheviyê dixwazin xwe li ser vê esasê rêexistin dikan. Manefisto tê wateya neqşe rê, di nav de îdeolojî, stratejî û paradîgma dihewînê. Bi van re girêdayî li hember pergala şaristaniya sermayedar alternatif e. Emê her bi vê zanebûnê pareznameyên Rêbertî bixwînin, hewil bidin fêm bikin û li gorî vê jî tevbigerin. Pareznameyên Rêber Apo şoreşa zîhnî armanc dikan. Weke insan nasîna xwe bi xwe re bi gerdûnê re armanc dikan, bi hestêن pak û xweşik jiyanake rast û xweş pêşkêş dikan. Pareznameyên Rêber Apo mirovên çalak ava dikan û pêngavan didin destpê kirin. Bi taybet di du nasnameyên bindest de di heman demê de pêşengêن civakê ne, yanî jin û ciwan-an, lêgerîna azadiyê dide destpê kirin. Lewma di nava pergala qirêj a modernîteya kaptalist de ciwanêن kurd ci red bikin û ci bipejrînin bi pareznameyan zelal û şenber dibe. Dîsa çand û nasnameya kurd ku dihat încar kirin bi tekoşîn û keda 50 salî zêdetir bi xwe re encamên tijî nirx ava kir. Di gel de ferasetek, cewherekî azadiyê pêşxist, dîsa ev ked û tekoşîn bîrmendîyeke tolhildanê di ciwanan de pêşxist. Ev milêñ kesayetê ku werine xurt kirin. Ên ku armanc û doza wan mezin bin pêwîste tekoşîna wan jî mezin be. Dîsa ên ku li peyî şopa heqîqetê ne wê di fikir û jiyana Rêber Apo de sosyalîstiya rasteqîn bibînin.



DI EZMANÊ WELATÊ MIN DE  
EWRÊN TOLHILDANÊ DIGERIN  
DI DILÊ MIN DE TU DIBÎ QÊRÎNA  
TOLÊ  
  
DI EZMANÊ WELATÊ MIN DE  
EWRÊN REŞ Û TARÎ DIGERIN  
QÊRÎNA ÈŞÊN DILAN  
BI BRÛSKEKÊ DIQÎRE  
HOGIR Û HEVREYÊ MIN  
TU HER BIBÎ EGÎDÊ WELATÊ MIN  
TU HER BIBÎ CANGORIYÊ DILÊ  
WELATÊ  
BI NAVÊ KURDISTAN  
HEZAR GORÎ  
GELO TU DIBÎNÎ EZMANÊ WELATÊ  
MIN?  
MIN DÎT!

MIN DI EZMANÊ WELATÊ XWE DE  
HOGIR Û HEVALÊ XWE DÎT  
MIN STÊRKA HERÎ DIBIRIQE DÎT  
MAÇEKÊ DATÎNIM SER ENIYA TE  
TU HER BIBIRIQÎ HEVREYÊ MIN  
TU HER DI NAVA DILÊN BI NIRX DE  
BIJÎ  
TU HER DI NAVA SERXWEBÛNA  
KURDISTANÊ DE BIBÎ  
OXIR BE EGÎDÊ WELATÊ MIN  
OXIR BE!!

Ji bo bîranîna şehîd Hogir Botan



# PARVE KIRINA BI ROJÊ RE

● Vejîn Jiyan

Rêberê min dema ez zarok bûm min her dibhîst ji we re digotin Apo. Li gel me jî ji birayê bav re dibêjin apo, min jî digot belkî hûn apê min in. Ji bo wê jî min dixwest bibim parêzer û we ji Îmralî derxînim.piştî ez mezin bûm min fêm kir ku hûn ne apê min in, hûn Rêberê min in. Raste ez nebûm parêzer, lê ez di dibistana we de perwerde dibînim ji bo bibim militanê we. Rêberê min, ez weke zarokeke Kurd ku zarokatiya xwe jiyan ne kiriye, di kenê we de zarokatiya xwe dibînim û jiyan dikim. Di fikra we de xwe nas dikan û bêhtir xwe nêzî we hîs dikim. Rêberê min xweziya çîçekek bûma li ber pencereya we, an jî çûkek bûma di nav destê we de bifiriyyama ber bi azadiyê. Rêberê min hezkirina min ji we re mîna avê ye diherike, pir difikirim çawa pênase bikim, çiqas behis bikim jî kêm dimîne beramber ked û berxwedaniya we. Rêberê min xeyalê min xeyalê şehîda ye, we jî anî bû ser ziman, li ser sura Amadê hev du bibînin. Bi xeyalê şehîdan emê we hembêz bikin.



## خرم آباد



خرم آباد مرکز شهرستان خرم آباد و استان لرستان است. این شهرستان از شمال به شهرستان سلسله، از شمال شرق به شهرستان بروجرد، از شرق به شهرستان های دورود و الیگودرز، از جنوب به شهرستان اندیمشک و از غرب و جنوب غرب به شهرستان های دوره و پلدختر محدود می شود. خرم آباد در مختصات  $33^{\circ}48'$  شمالی و  $48^{\circ}35'$  درجه شرقی و در ارتفاع  $1147.8$  متری از سطح دریا قرار دارد. این شهر دارای آب و هوایی مدیترانه ای معتدل و نیمه مرطوب است، و دارای میزان بارندگی بسیار، خصوصاً در بهار می باشد. وجود منابع آب های زیرزمینی و چشمه های درون شهر از نکات قابل توجه در جغرافیای شهر خرم آباد است.

یکی از بنایهای تاریخی این شهر شاپورخوار است که در دوره ساسانی در شهر خرم آباد به دستور شاپور دوم بنا شد. اما بعد از حمله مغل ها به ایران دستور داد که این بنا را به تمامی تخریب کنند.



شهید زال مده گریلای آزادی از شمال کوردستان که در راه عشق به میهن با روحیه فدایی به دور از مرزهایی که کوردها را از یدیگر جدا کرده است، برای جوانان لرستان به پیشاہنگ و سمبل راه آزادی و شرافت مبدل شده.

هرچند خرم آباد از دو واژه «خرم» و «آباد» تشکیل شده است و ترکیب آن به معنای جایی بسیار سرسیز و دارای بنایهای آباد است، اما این معنا با نام لری آن، یعنی «خورموجه»، همخوانی ندارد. «خور» به معنای اختصاری خورشید و «موجه» در گویش لری به معنای «شدن» است و همچنین می تواند معنای نشستن یا فرورفتن هم داشته باشد. به خاطر شکل قیفر مانند شهر خرم آباد که دره ای و محصور در میان کوه های اطراف است، معنای اصطلاح خورموجه، « محل فرورفتن خورشید» است؛ یعنی جایی که خورشید در آن فرومی رود. اگر مسافر این شهر باشد، در هر طرف از خود شهر یا در فاصله  $5$  تا  $10$  کیلومتری از آن، در هنگام غروب آفتاب، می توانید این فرورفتن خورشید در آغوش دره را دید.



به جهوانی دهستانمان پیکرد ۹ به جهوانیش سه رده که وین

# JILEMO 37

کۆمەلگای جهوانانی رۆژھەلاتی کوردستان ۹ یەکیتی ژنانی جهوانی رۆژھەلاتی کوردستان

ئەورۇز پىرۇز بىت

